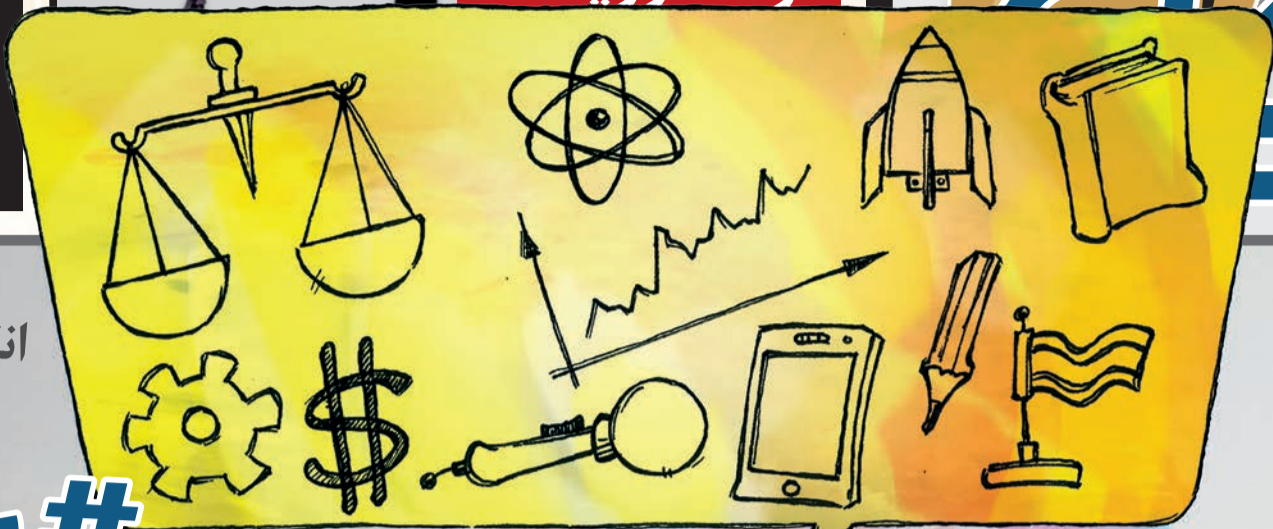




پرواز ۴۷۷۱



استعدادهای تولید علم در ایران بعد از انقلاب شکوفا شدند
تولد «رويانا»



انقلاب به ما یاد داد در مسائل سیاسی و اجتماعی مشارکت داشته باشیم

#سیب زمینی نباشید



سیب زمینی که با تاثیر خیلی راحت خورده می شود، اصلا هم درست خوردن نیست و کسی که اجازه نمی کند؛ یعنی به هر حال حتماً باید آن را با نمک و ادویه چکاند، به همین سبب زمین را بیشتر با نمک و ادویه می کشند. آن ها را می کشند و زمین هم به همین سبب از بار بار خوردن آنها خسته می شود. خواهش در

بسیار مهم است که این مسئله را درست درک کنیم. ما نمی توانیم با خوردن سیب زمینی به راحتی به اهداف خود برسیم و این یک اشتباه است.

شماره ۵۵۷
صفحه ۴
ضمیمه نوجوان روزنامه
دوشنبه ۱۶ بهمن ۱۳۹۶
۱۸ جمادی الاول ۱۴۳۸
۵ فوریه ۲۰۱۸



دانشمندان رفتار کنیم

بی تعارف باشیم

اولین نکته این است که از ندانستن خجالت نکشید. این که شما به فاصله بیش از بیست سال از انقلاب اسلامی به دنیا آمدهاید دلیل خوبی است برای آن که از خیلی چیزها خبر نداشته باشید و در مورد آن ها از بزرگ ترها سؤال بپرسید. هیچ وقت با خودتان نگویید پرسیدن این سؤال زشت است و برویم را می برد، از افرادی که صبر و حوصله و البته اطلاعات خوبی دارند هرچه دوست دارید سؤال بپرسید و اصلاً هم خجالت نکشید. از طرفی وقتی کسی به شما جوابی می دهد، قرار نیست با اولین پاسخی که می گیرید قانع شوید. شما حق دارید که جواب را تحلیل و بررسی کنید و هر قسمت آن را که از نظرتان غیرمنطقی، عجیب یا غیرممکن است دوباره بپرسید. به راحتی قانع نشوید و سعی کنید هر وقت به صورت عقلانی پذیرفتید بحث را خاتمه دهید.

بازماند باید همگی آن که در موضوع خاص اظهار نظر می کنند، نتیجه تحلیل های خودشان را در اختیار ما می گذارند و مطلبی است که به ما می رسد، این است که هر چه می بینیم، آن را بپذیریم و اگر ما را تصدیق کند، درست باشیم، به دنبال اضرار مردم نیستیم.



حقیقت را دنبال کنیم

یادمان باشد همه کسانی که در موضوع خاصی اظهار نظر می کنند، نتیجه تحلیل های خودشان را در اختیار ما می گذارند و ممکن است اشتباه هم بکنند. یکی از آسیب های جدی که ممکن است ما را تهدید کند این است که به جای آن که دنبال حقیقت و درست باشیم به دنبال افراد حرکت کنیم. خوب است که از اطلاعات افراد آگاه استفاده کنیم، ولی این که هر چه را که گفتند بدون فکر بپذیریم کار اشتباهی است. ما به دنبال حقیقت هستیم نه این که به دنبال بازی های حزبی و درگیر افراد شدن باشیم. ممکن است یک نفر ۹۰ حرف درست بزند و ۱۰ حرف اشتباه هم بزند، حواسمان باشد گرفتار حرف های اشتباه نشویم. یادمان باشد که درستی حرف ها برای ما مهم تر از این است که چه کسی آن را گفته است. حرف درست را از هر کسی که باشد بپذیریم و حرف اشتباه را از هر کسی که باشد قبول نکنیم، هر چند آن شخص را دوست داشته باشیم.

در گیر شایعه نشویم

دیگر نیاز به توضیح نیست که امروز بخش شدن شایعه ها چقدر سرعت گرفته و این که شایعه سازان چقدر حرف های شده اند. در دنیای سیاست و بحث های اجتماعی هم همین طور است. خیلی ها کارشان شایعه ساختن است و خیلی های دیگر آن را پخش می کنند. عده ای هم نشستند و شایعه ها را جواب می دهند. به هر حال باید چشم و گوشمان باز باشد که گول شایعات را نخوریم و بتوانیم حقایق را پیدا کنیم. قبل از این در همین صفحه در مورد راه های تشخیص شایعه از واقعیت صحبت کرده ایم.

انقلاب به ما یاد داد در مسائل سیاسی و اجتماعی مشارکت داشته باشیم

#سیب زمینی نباشید

تکتم دره کی | راستش خیلی فکر کردم حالا که در حال وهوای دهه فجر با هم صحبت می کنیم از چه چیزی حرف بزنیم. آخر می دانید که زمان و مکان روی حس و حال آدم ها تأثیر دارند. بدون تعارف باید بگویم ما از روزهای سال ۱۳۵۷ خیلی فاصله داریم. انقلاب اسلامی تقریباً جشن بیست سالگی اش را هم گرفته بود که ما به دنیا آمدیم و خدا می داند که در این بیست سال چه ماجراهایی را پشت سر گذاشته است. اما هر چه باشد ما داریم در همین جو زندگی می کنیم. ممکن است در خیلی از حوزه ها سؤال هایی ذهنمان را مشغول کند و هیچ پاسخ روشنی از کسی نگیریم، اما به هر حال به اندازه سهمی که از این مملکت و از این تاریخ داریم باید حرکت کنیم. ممکن است خیلی از ما در پوسته ای از تنبلی فرو رفته باشیم، ولی امروز تصمیم گرفته ام در مورد همین ماجرای مهم صحبت کنیم که در مورد وقایع مهم اطرافمان سبب زمینی طور نباشیم. جست و جو و کنکاش و مطالعه و روحیه پرسشگری به درد همین جاها می خورد. حق داریم بپرسیم و منتظر پاسخ باشیم، حق داریم حرف بزنیم و مطالعه کنیم، پس گام اول این است که اگر تصمیم داریم آدم مهمی شویم باید از ژست سبب زمینی بودن خارج شویم و دانش و آگاهی مان را بیشتر و بیشتر کنیم.

ادب در کنار منطق

یک نکته مهم قبل از مطرح کردن همه گام های دیگر این است که به هر حال یکی از مهم ترین منابعی که برای پاسخگویی به سؤال ها سراغ آن می رویم بزرگ ترهایمان هستند. پدر، مادر، معلم یا سخنرانی که به مناسبت روزهای دهه فجر به مدرسه ما آمده، همه منابع اطلاعاتی مهمی هستند که می توانیم ساعات با آن ها صحبت کنیم. یک ویژگی مهم در این نوع بحث ها این است که دقت کنیم همه این افراد بزرگ تر از ما هستند و باید بدانیم هر چقدر هم بحثمان جدی باشد، با هم اختلاف نظر و سلیقه داشته باشیم و از صحبت های یکدیگر قانع نشویم باز هم رعایت ادب و احترام خیلی مهم است. این موضوع نشانه ای از بلوغ فکری شما خواهد بود که به بزرگ ترها نشان می دهد آیا جنبه یک بحث جدی و درست و حسابی را دارید یا خیر.



در مورد انقلاب اسلامی و وقایع قبل و بعد از آن کتاب های بسیار جالبی نوشته شده که به ما کمک می کند تا با مطالعه آنها بتوانیم با مشکلاتی که امروز با آن روبرو هستیم وجود تمام شده زمین بخوانیم و نتایج آن را به نفع خودمان بکار بگیریم.

سیب زمینی نباشید خورده می شوید

ممکن است بپرسید خوب مگر چه می شود؟ اما مهم ترین دلیلی که می گویم سبب زمینی نباشیم در همین کلمه نهفته است. سبب زمینی که باشید خیلی راحت خورده می شوید. اصلاً هم دست خودتان نیست و کسی که سبب اجازه نمی کند؛ یعنی به هر حال چون شما انسان هستید برای کسانی که سبب زمینی نیستند و اهدافی را دنبال می کنند به عنوان زیرمجموعه و حتی سیاهی لشکر مهم هستند، آن ها از شما برای اهداف خودشان استفاده خواهند کرد. لازم است نسبت به اطرافمان حساس تر باشیم، نمی گویم از فردا تحلیل گر سیاسی و اجتماعی شوید، نه! اما آن قدرها هم نباید بی خبر باشیم که ندانیم موضوع روز مملکت چیست یا ندانیم اصلاً چرا مردم ریختند در خیابان ها و انقلاب کردند؟ نشان کم بود؟ آیشان کم بود؟ از کنار این سؤال ها راحت عبور نکنید. رک و راست اگر بخواهم بگویم، اگر سبب زمینی باشیم خیلی راحت بازیچه اهداف دیگران می شویم. همان طور که افراد زیادی می گویند اگر برای خودتان برنامه ریزی نکنید، دیگران برای شما برنامه ریزی خواهند کرد. ممکن است این برنامه ریزی در مورد وقت شما باشد و ممکن است در مورد سرمایه های دیگری مثل انرژی و توان نوجوانی و جوانی باشد و هر کدام از این سرمایه های شما اگر فکری برایش نکنید، دیگران به آن طمع خواهند کرد. پس قبل از آن که دیگری پیدا شوند و شما را قورت بدهند از سبب زمینی بودن خارج شوید. از طرفی هر انسانی توان آن را دارد که پس از تشخیص صحیح، دیگران را هم راهنمایی کند. شما می توانید با شفاف سازی کردن حقایق به اطرافیان هم کمک کنید و اطلاعاتتان را در اختیار آن ها قرار بدهید. پس تلاش شما برای کشف حقیقت ها نه تنها برای خودتان مؤثر است بلکه برای دوستان و خانواده تان هم تأثیرهای خوبی خواهد داشت؛ البته چند نکته بسیار مهم در رابطه با این که چگونه با مسائل سیاسی و اجتماعی روبرو شویم وجود دارد که در ادامه به آن ها اشاره خواهیم کرد.



مقاله: سید علی حسینی

استعدادهای تولید علم در ایران بعد تولد «رویداد»



پهپاد شاهد ۱۲۹

نیمه موحّد | دهه فجر وقت مرور خاطره‌هاست. در این ایام معمولاً بزرگ‌ترها از خاطرات سال‌هایی که ما نبودیم حرف می‌زنند. از این که در دوران انقلاب چه حال‌وهوایی داشتند و چه کارهایی انجام می‌دادند. این‌طور وقت‌ها گاهی حرف به زمان‌های قبل از انقلاب و مقایسه آن سال‌ها با سال‌های بعد از پیروزی انقلاب هم می‌رسد. همان کاری که این روزها «هشت» تصمیم گرفته برای شما انجام بدهد. اگر از اول دهه فجر امسال همراه ما بوده باشید، از آمار سواد و وضعیت سوادآموزی در دوران قبل و بعد از انقلاب صحبت کردیم. کلی آمار هم با هم مرور کردیم تا ببینیم وضعیت علمی کشورمان نسبت به آن سال‌ها چقدر پیشرفت کرده است. بعد از ماجرای سوادآموزی سراغ توسعه روستایی و اهمیت آن در جمهوری اسلامی رفتیم. تلاش‌های پهلولی و جمهوری اسلامی برای تغییر وضعیت زندگی روستاییان و کشاورزی ایران را هم با هم مقایسه کردیم و دانستیم که کدام مؤثر بوده و کدام نبوده است. وضعیت بهداشت و درمان هم سوزه سوم ما بود. تگاهی به آمار امکانات بهداشتی و درمانی قبل و بعد از انقلاب و حتی تشویق‌های سازمان‌های بین‌المللی برای بالا رفتن سطح بهداشت در ایران در گزارش قبلی مرور شد. اما یکی از جذاب‌ترین بخش‌هایی که می‌توان این روزها درباره آن حرف زد و فهمید که انقلاب اسلامی چقدر در به دست آوردن آن مؤثر بوده است. پیشرفت‌هایی که می‌توان این روزها درباره آن حرف زد و فهمید که انقلاب اسلامی چقدر در به دست آوردن آن مؤثر بوده است. پیشرفت‌هایی که می‌توان این روزها درباره آن حرف زد و فهمید که انقلاب اسلامی چقدر در به دست آوردن آن مؤثر بوده است. پیشرفت‌هایی که می‌توان این روزها درباره آن حرف زد و فهمید که انقلاب اسلامی چقدر در به دست آوردن آن مؤثر بوده است.



اسم «پهپاد» را احتمالاً شنیده‌اید؟ احتمالاً آن زمانی بیشتر جاسوسی آمریکا را شناسایی و وادارش کرد به زمین بنشیند. برای همین به آن «پرنده» است که سرنشینی ندارد، اما افکار بودند، کم‌سرور و بدون، نداشتن سرنشین و رادار گریز بودن شئی پرنده‌ای در آسمان یک کشور را نشان می‌دهد. وسیله‌ای که باعث می‌شود رادارها قادر به دیدن آن نباشند، آن را به یک نظامی تبدیل کرده است.

بیشترین سرمایه‌گذاری در جهان برای ساخت پهپاد را آمریکا است. هم در اختیار این کشور است، اما حالا کشور ما هم جزو آن دسته تولید می‌کند. ایران با ساخت پهپاد «شاهد۱۲۹» سومین کشور به موشک می‌سازد. این پهپاد می‌تواند تا ۲۴ ساعت یکسره پرواز هم دارد؛ البته ایران دو نوع از این پهپادها را دارد: یک مدل از این که دشمن است استفاده می‌شود و نوع دوم آن زخمی است و توانایی



از روزنامه‌های بابا تا فانوس‌های کاغذی

پونه نیکوی

جنب‌وجوشی که از ابتدای بهمن‌ماه به حال‌وهوای مدرسه وارد خون ما می‌شد، خیلی متفاوت بود. سرمون درد می‌کرد واسه شلوغ‌بازی‌ها و رو میز و نیمکت ایستادن و در و دیوارها را نقاشی کردن. دلمون می‌خواست همه کلاس‌ها را تعطیل کنیم و دستی به سر و روی مدرسه بکشیم. بچه‌ها عاشق رنگ‌ها هستند و دهه فجر چقدر رنگ و زیبایی تو دلش داره.

اون روزها شعر می‌خواندیم، گروه سرود داشتیم و تندتند دفتر و کتاب‌ها رو دوره می‌کردیم که برسیم به اصل مطلب و اون هم ۱۲ بهمن، سالروز ورود امام(ره) به ایران بود. تو صندوقچه خاطراتم که می‌گردم، از اون روزها کلی شعر و سرود پیدا می‌کنم و شعارهای انقلابی، اما مهم‌تر از همه این‌ها اون لحظه‌های پراسترسی بود که از نردبان بالا می‌رفتم و حواسم به دوروبرم هم بود که بابا از گرد راه نرسه و مجرم رو نگیره. زیرشیرونی خونه‌مون اتاقکی داشت که من بیشتر وقت‌ها اون‌جا بودم؛ یعنی هر کس می‌خواست دنبالم بگرده می‌دونست تو اون اتاقک تاریخ دارم دنبال چیزی می‌گردم که خدوم نمیدونم چیه، اما تو بهمن‌ماه همیشه می‌دونستم که چرا دارم می‌رم بالا و از دل اون تاریکی چی می‌خوام بگنم. اون‌جا مقصد نهایی روزنامه‌هایی بود که بابا می‌خواند. همه رو اون‌جا تلنبار می‌کرد. منم بهمن‌ماه می‌رفتم و هر روزش از دل روزنامه‌ها چندتا برمی‌داشتم و می‌رفتم سراغ سبزی‌فروش محله یعنی آقا سید خدابیمروز و روزنامه‌ها رو بهش می‌فروختم و با پولش چندتا فانوس می‌گرفتم که کلاس ما زیباترین کلاس مدرسه بشه. آقا سید دوست بابا بود. فقط خدا خدا می‌کردم بهمن تموم بشه و بپاش بره که روزنامه‌ها رو برای فروش براش میارم. تا می‌فهمیدم بابا از مغازه آقا سید چیزی می‌خواد عین قرقی دوتا یکی پلها رو می‌بردم پایین و می‌رفتم تا سر کوچه و می‌گفتم پول رو بده خودم برات می‌خرم. بعد بدو بدو می‌رفتم تا مغازه و تو دلم می‌گفتم پونه این‌دفعه هم خدا به روت نگاه کرد، اما وقتی کلاس ما تبدیل به زیباترین کلاس دهه فجر می‌شد خستگی از تنم درمی‌رفت، اما نمی‌دونستم واقعاً با کم شدن حجم ناگهانی اون روزنامه‌ها تو اتاقک زیرشیرونی چه باید کنم. مهم این بود که هر سال به‌خیر می‌گذشت.

روایت انقلاب

پ

الهام صالح | «پرواز ۴۷۲۱ پاریس تهران» به ایران بیاید. بسته شدن فرودگاه‌های اسلامی در تاریخ ۱۲ بهمن ۱۳۵۷ به ایرا



ورود امام

یکشنبه اول بهمن ۱۳۵۷، خیر منتشر شده در روزنامه اطلاعات، بازگشت امام خمینی (ره) را به مردم ایران نوید داد: «امام خمینی جمعه در تهران نماز می‌خواند». اما امکان بازگشت وجود نداشت. «بختیار» فرمان بسته شدن فرودگاه‌ها را داده بود: «خبر مثل برق در شهرها می‌پیچد و قلب همه را پر از خشم و درد می‌کرد. مشت‌ها خودبه‌خود گره می‌شدند. لب‌ها از خشم می‌لرزیدند و فریادهای بی‌آسمان می‌رفتند. آیت‌الله خمینی نمی‌توانست روز جمعه به تهران بیاید، چون بختیار همه فرودگاه‌های ایران را برای سه روز بسته بود. مردم به خیابان‌ها ریختند و شعار دادند: «وای به حالت بختیار، اگر خمینی دیر بیاد.»

هشتم بهمن ۱۳۵۷، گروهی از روحانیون مبارز تهران تحصن کردند: «گروهی از روحانیون مبارز تهران و مدرسین حوزه علمیه قم و نمایندگان روحانیت مبارز شهرستان‌ها از ساعت ۹ صبح هشتم بهمن‌ماه، به عنوان اعتراض به بسته شدن فرودگاه و جلوگیری از بازگشت امام خمینی در محل مسجد دانشگاه متحصن شدند.» امکان نداشت که تا همیشه جلوی ورود امام را بگیرند، بهمن که به دوازدهمین روز خود رسید، امام آمد، «چند دقیقه بعد هواپیما بر زمین می‌نشاند. نفس‌ها در سینه حبس می‌شود، همه با بی‌صبری منتظر دیدن رهبرشان هستند. قبل از خروج آیت‌الله خمینی از هواپیما، ۱۵۰ نفر از خبرنگاران و فیلمبرداران خارجی از هواپیما خارج می‌شوند.»

فرار شاه



شاه در ساعت هشت‌وسیزده دقیقه سه‌شنبه ۲۶ دی‌ماه ۱۳۵۷ سوار بر هواپیما شد و از ایران رفت. قبل از آن درباره دلیل رفتنش حرف‌هایی زده بود: «همان‌طور که در موقع تشکیل این دولت تشکیک بودم، مدتی است که احساس خستگی می‌کنم و احتیاج به استراحت دارم. ضمناً گفته بودم پس از این که خیالم راحت شود و دولت مستقر گردد به مسافرت خواهم رفت.»

شاه رفت و مردم از خوشحالی به خیابان‌ها ریختند. این‌بار نوبت مجسمه شاه بود که سقوط کند: «دوان‌دوان به طرف پارک شهر رفتیم. بین راه متوجه شدیم که چند نفر دیگر هم دارند به طرف پارک شهر می‌دوند... از دم اسب گریتیم و رفتیم بالا. دوستم سوار گردن شاه شد و من هم روی یال اسب نشستیم؛ درست روبه‌روی صورت شاه. یک نفر یک چکش برایم برت کرد. شروع به شکستن دماغ شاه کردم.»

در تاریخ جمعه ۲۹ دی، مردم در راهپیمایی اربعین امام حسین (ع) شرکت کردند: «هواپی که قصد باریدن داشت، تنها به بوی باران بسنده کرد و راهپیمایان با منت‌های گره کرده و نظم همیشگی پیش رفتند. همه راهی شدند. زن‌های بیچه در بغل، پیرزن‌های پشت خمیده، پیرمردهای عصا به دست، بچه‌های سوار بر شانه پدر...»

شاهد

شاه در ساعت هشت‌وسیزده دقیقه سه‌شنبه ۲۶ دی‌ماه ۱۳۵۷ سوار بر هواپیما شد و از ایران رفت. قبل از آن درباره دلیل رفتنش حرف‌هایی زده بود: «همان‌طور که در موقع تشکیل این دولت تشکیک بودم، مدتی است که احساس خستگی می‌کنم و احتیاج به استراحت دارم. ضمناً گفته بودم پس از این که خیالم راحت شود و دولت مستقر گردد به مسافرت خواهم رفت.»



یکشنبه

اول بهمن ۱۳۵۷، خیر منتشر شده در روزنامه اطلاعات، بازگشت امام خمینی (ره) را به مردم ایران نوید داد: «امام خمینی جمعه در تهران نماز می‌خواند». اما امکان بازگشت وجود نداشت. «بختیار» فرمان بسته شدن فرودگاه‌ها را داده بود: «خبر مثل برق در شهرها می‌پیچد و قلب همه را پر از خشم و درد می‌کرد. مشت‌ها خودبه‌خود گره می‌شدند. لب‌ها از خشم می‌لرزیدند و فریادهای بی‌آسمان می‌رفتند. آیت‌الله خمینی نمی‌توانست روز جمعه به تهران بیاید، چون بختیار همه فرودگاه‌های ایران را برای سه روز بسته بود. مردم به خیابان‌ها ریختند و شعار دادند: «وای به حالت بختیار، اگر خمینی دیر بیاد.»

انرژی‌های نو «سورنا» از انقلاب شکوفا شدند ، رویای «انسانا»

انرژی‌های نو



ایران بعد از انقلاب اسلامی یکی از کشورهایی بود که توانست به انرژی‌های نو دست پیدا کند. انرژی‌های نو، جایگزین یا تجدیدپذیر آن‌هایی هستند که برای تولیدشان نیازی به سوخت‌های فسیلی و کربنی مثل بنزین نیست بلکه از انرژی باد، خورشید، دریا و... به وجود می‌آیند. برای همین به آن‌ها انرژی‌های پاک هم می‌گویند. نیروگاه هسته‌ای بوشهر یکی از مراکزی است که در آن انرژی هسته‌ای برای جایگزینی انرژی‌های قدیمی و تمام‌شونده تولید می‌شود. این انرژی از شکافت هسته‌ای اتم در این نیروگاه‌ها به دست می‌آید؛ یعنی شکافت هسته‌ای یک اتم با روش‌های علمی چنان انرژی ایجاد می‌کند که می‌شود با آن برای یک کشور برق ساخته شد. شکافت هسته‌ای بوشهر در سال ۱۳۵۴ با همکاری کشورهای غربی مخصوصاً آلمان ساخته شد. نیروگاه هسته‌ای بوشهر در سال ۱۳۵۴ با همکاری کشورهای غربی مخصوصاً آلمان ساخته شد. اما وقتی انقلاب پیروز شد طرف آلمانی تعهداتش را فراموش و کار روی پروژه نیروگاه را متوقف کرد. بعد از انقلاب هم کشورهای دیگر در ساخت نیروگاه کارشکنی‌های زیادی کردند، اما بالاخره بعد از ۳۶ سال بهره‌برداری از اولین نیروگاه اتمی جمهوری اسلامی ایران رسماً آغاز شد تا ما هم بتوانیم برق هسته‌ای تولید کنیم. در روند طولانی آغاز به کار نیروگاه متخصصان ایرانی هم بسیاری از فوت و فن‌های تولید برق هسته‌ای را یاد گرفتند و حالا در ساخت واحدهای جدید این نیروگاه نقش زیادی دارند.



سلول‌های بنیادین

یکی دیگر از پیشرفت‌های علمی ایران که در دنیا شناخته شده است، فناوری تولید و استفاده از سلول‌های بنیادین است. در بدن انسان‌ها و حیوانات سلول‌هایی وجود دارد که می‌تواند به همه سلول‌های مختلف بدن انسان تبدیل بشود. به این سلول‌ها سلول‌های مادر یا بنیادین گفته می‌شود. دانشمندان با شناسایی سلول‌های مادر و پرورششان می‌توانند آن‌ها را به سلول‌های خونی، عصبی، قلبی و غضروفی تبدیل کنند. تصور کنید بدن کسی آسیب دیده و عصب‌های آن از کار افتاده است، در علم سلول‌های بنیادین می‌شود سلول‌های مادر را به بدن او پیوند زد تا آن سلول‌ها به سلول‌های بنیادین تبدیل شوند. سلول‌های بنیادین از خونی که در بند ناف نوزاد وجود دارد، از جنین چهارده تا شانزده روزه و حتی از افراد بالغ هم گرفته می‌شود. دانشمندان ایرانی با استفاده از علم سلول‌های بنیادین توانستند به علم «شبهه‌سازی» هم برسند و بز شبیه‌سازی‌ای به اسم «رویانا» بسازند. رویانا از اسم پژوهشگاه رویان، یکی از مراکز بزرگ و مهم علمی کشور در زمینه فناوری‌های زیستی گرفته شد. پژوهشگران پژوهشگاه رویان در سال ۱۳۸۵ با تولد رویانا جزو ۱۰ کشور برتر دنیا در زمینه شبهه‌سازی حیوانات قرار گرفتند. رویانا بعد از شش ماه از بین رفت، اما تولد و زنده ماندن شش ماهه حیوانی شبهه‌سازی شده به عنوان اولین مورد در خاورمیانه، نماد پیشرفت ایران در علم سلول‌های بنیادین و زیست‌فناوری است.



رشدید که ایران یکی از پهناورترین کشورهایی است که پهناوری آن را از راه دور آن را هدایت می‌کنند. ویزی‌های پهناور مثل کوچک (رادار وسیله‌ای است که وجود هر دارگریز تجهیزات پیشرفته‌ای دارد و وسیله پیشرفته و البته محبوب

جام داده و بهترین نمونه‌های آن است از کشورهای است که پهناوری در دنیا شد که پهناور کند و قابلیت شلیک موشک پهناور برای شناسایی مناطقی شلیک موشک هم دارد.

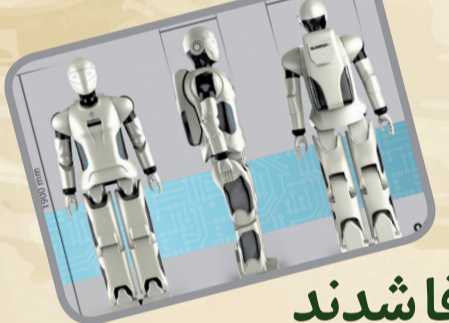
استعدادهایی که با انقلاب شکوفا شدند

پیشرفت علمی و فناوری هم در هر کشوری به کمک شرایط مطلوبی که یک دولت فراهم می‌کند اتفاق می‌افتد. اتفاقی که در جمهوری اسلامی افتاد و ایران در علوم و فناوری‌های دست پیدا کرد که چند کشور محدود بیشتر در دنیا آن علوم و فناوری‌ها را نداشتند. از طرف دیگر این که چقدر خود دانشمندان یک کشور در ساخت فناوری‌های جدید نقش داشته باشند، خیلی مهم است. بعد از انقلاب، ایران دچار تحریم‌های زیادی از طرف کشورهای زورگو شد. این که با وجود این تحریم‌ها باز هم می‌توانیم از علوم جدید و دست یافتن دانشمندان به فناوری‌های نو بگوییم یعنی جمهوری اسلامی درون خود استعدادهایی دارد که با وقوع انقلاب اسلامی ایران فعال شد. اگر فکر می‌کنید پرونده گزارش فناوری‌ها را در همین شماره می‌بندیم سخت در اشتباهید! علوم و فناوری‌های پیشرفته در ایران آن قدر زیاد است که دوست داریم در شماره بعدی هم درباره آن‌ها با شما صحبت کنیم.



را نماندیم که ۱۳۵۵ آمریکا را از

روبات سورنا



ساخت روبات از جذاب‌ترین بخش‌های علمی در هر کشور است و این روزها کشورهای که می‌توانند روبات‌ها را تولید کنند در جهان جزو کشورهای پیشرفته در زمینه ساخت روبات به حساب می‌آیند. حالا شما خبر داشتید که ایران هم روباتی انسان‌نما به اسم «سورنا» ساخته است؟ این روبات را مرکز سیستم‌ها و فناوری‌های پیشرفته دانشگاه تهران ساخته است. دانشمندان ایرانی ابتدا سورنا یک و سورنا ۲ را ساختند و در هر مرحله سعی کردند حرکات انسان‌نمای این روبات را تکمیل کنند. سورنا ۲ سرعت ۳ متر بر ثانیه، هوشمندی و آزادی بیشتری در حرکت نسبت به روبات‌های قبلی دارد. سورنا ۳ سرعت ۱۰ متر بر ثانیه، هوشمندی و آزادی بیشتری در دستور کار دانشمندان ایران است. باید منتظر بمانیم و ببینیم سورنا ۴ هم ساخت سورنا ۴ قبلی خودش پیشرفت می‌کند.



پیوستن همافران به انقلاب



یکشنبه ۱۵ بهمن، دولت موقت تشکیل و حکمی برای نخست‌وزیری «مهدی بازرگان» ابلاغ شد. دوشنبه ۱۶ بهمن، امام خمینی (ره) در مصاحبه‌ای مطبوعاتی حضور یافت. روزها سپری می‌شد. ۱۹ بهمن، زمان یک همبستگی «در این روز، عده زیادی از همافران و پرسنل نیروی هوایی به منزل امام رفتند و همبستگی خود را با ملت ایران اعلام کردند.» در این روز اتفاق دیگری نیز رخ داد. «در همین روز اعلام شد که هفت وزارتخانه بهداری، دارایی، امور خارجه، دادگستری، آبدانی و مسکن، آب و برق و اطلاعات به تصرف طرفداران بازرگان درآمده‌اند و وزیران بختیار حق ورود به این وزارتخانه‌ها را ندارند.» جمعه ۲۰ بهمن، از تلویزیون با ترکیب فیلم‌های مربوط به امام که شامل نوفل‌لوشاتو، پرواز انقلاب، ورود به تهران و نطق بهشت زهرا بود، فیلمی آشتی‌جویانه از طرف دولت بختیار به نمایش درآمد. اما در یادگان نیروی هوایی با دیدن این فیلم، شور انقلابی همافران اوج گرفت. با ورود گارد، در یادگان تیراندازی شد و مردم به خیابان‌ها ریختند، «در اسلحه‌خانه شکسته شد و حادثه‌ای که مدتی بود انتظار آن می‌رفت، به وقوع پیوست و مردم مسلح شدند. افسران مجهز گارد شلیک کردند. تیراندازی تا ساعت ۲ صبح ادامه یافت. به این ترتیب، افراد نیروی هوایی به انقلاب پیوستند.»



یکشنبه ۲۲ بهمن، دولت موقت تشکیل و حکمی برای نخست‌وزیری «مهدی بازرگان» ابلاغ شد. دوشنبه ۲۳ بهمن، امام خمینی (ره) در مصاحبه‌ای مطبوعاتی حضور یافت.

یکشنبه ۲۲ بهمن هم چنان درگیری‌ها ادامه داشت، «یادگان‌های لویزان و سلطنت‌آباد به دست مردم افتاد. مردم، کاخ شاه را هم به تصرف درآوردند. همه کوچه‌ها و خیابان‌ها با کیسه‌های شن سنگربندی شده بود و محله‌های تهران به سنگرها و دزهای نظامی شباهت پیدا کرده بودند.» انقلاب آرام آرام به ثمر می‌نشست؛ «عصر روز ۲۲ بهمن، مردم مبارز و انقلابی، رادیو و تلویزیون را تصرف می‌کنند. بختیار به مقصد نامعلومی فرار می‌کند. مردم با کمک تعدادی از کارکنان هواپیمایی، کنترل فرودگاه را به دست می‌گیرند و باند‌های فرودگاه را برای جلوگیری از فرار خائنان می‌بندند.»

«سپهدار رحیمی»، «ارتشبد نصیری» (رئیس ساواک)، «رضا ناجی» (فرماندار نظامی)، «خسرو داد» و گروهی از شکنجه‌گران ساواک دستگیر می‌شوند. دستگیری آن‌ها یعنی کار رژیم پهلوی تمام است و انقلاب اسلامی پیروز شده؛ «خسته بودم، تمام شب بیدار بودم، حالا هم ظهر بود، از حیاط مسجد به آسمان نگاه کردم، آفتابی بود؛ آفتابی گرم و مهربان. پرندهای آنها در گوشه‌های دور می‌زد. صدای اذان آمد. وضو گرفتم. بعد از اذان، سرودی تازه از بلندگو پخش شد، ایران، ایران... اولین بار بود که آن را می‌شنیدم. پیروزی انقلاب را باور کردم...»



پرواز ۴۷۲۱ پاریس تهران / زیر نظر شورای نویسندگان و شورای تولید با اهتمام: محمدرضا شمس / ۷۲ ص: مصور (بخشی رنگی) / تاریخ انقلاب برای کودکان و نوجوانان

لاب برای نوجوانان

پرواز ۴۷۲۱

در باره روزهایی است که امام خمینی (ره) قرار بود ایران مانعی برای این کار بود، اما سرانجام رهبر انقلاب با بازگشت ۱۰ روز پس از آن انقلاب اسلامی به پیروزی رسید.



پارچه‌هاک
لوپزان و سلطنت‌آباد
به دست مردم افتاد.
مردم، کاخ شاه
را هم به تصرف
درآوردند. همه کوچه‌ها
و خیابان‌ها با
کیسه‌های شن
سنگربندی شده بود
و محله‌های تهران
به سنگرها و دزهاک
نظامی شباهت پیدا
کرده بودند



امام و سخنرانی در بهشت زهرا

کسی از زبان خود، آن روزها را توصیف کرده؛ مثلاً شخصی که وظیفه رساندن امام خمینی (ره) دیدن خیل عظیم مردم در نزدیکی بهشت زهرا متعجب شده؛ «بهشت زهرا نزدیک می‌شد و من احساس می‌کردم، اما نه، این‌جا کجاست؟ این همه آدم ناگهان از کجا سبز شدند؟ این همه آدم شده بودیم، راه پیدا نبود. جمعیت پایه‌پای اتومبیل می‌دوید. مردم زمین می‌خوردند و بلند می‌شدند. راست در بهشت زهرا پیاده شود؛ گفتم: «شما را به خدا پیاده نشوید. زیر دست و پا له می‌شوید.» حرف‌ها نداشتند. انگار برای دیدن مزار شهیدان بی‌تاب بودند. زیر لب ذکر یا فاتحه می‌خواندند. هلی کوپتر به گوش رسید. آمده بود که آقا را ببرد.»

انی خود را در بهشت زهرا انجام داد؛ «ما فقط قدم اول پیروزی را برداشتیم و دولت اگر تسلیم ملت می‌شد خود خواهد نشانند. تا زنده ایم نخواهیم گذاشت هستی ما به کام آمریکا برود. ما می‌خواهیم شی از ملت باشد... من به پشتیبانی ملت توی دهن این دولت می‌زنم.»

آخرین نفس‌های رژیم پهلوی

شنبه ۲۱ بهمن ۱۳۵۷، جنگ خیابانی به اوج خود رسید. «رژیم نفس‌های آخرش را می‌کشد. تعداد زیادی از مردم کشته می‌شوند. عده زخمی‌ها بسیار زیاد است. شهر یکپارچه شور و آتش شده است و هر لحظه خبر پیروزی‌های جدید مردم و افراد نیروی هوایی به گوش می‌رسد.» ساعت ۲ بعدازظهر، خبر منع رفت‌وآمد از رادیو پخش شد. اما کمی بعد امام خمینی (ره) پیام خود را به مردم رساند، «اعلامیه امروز حکومت نظامی، خدعه و خلاف شرع است و مردم به هیچ وجه به آن اغتا نکنند. برادران و خواهران عزیزم هراس به خود راه ندهید که به خواست خداوند تعالی، حق پیروز است.» با شنیدن این پیام، مردم به خیابان‌ها ریختند؛ «در کوچه و خیابان سنگربندی کردند. آن‌ها مسلح شده بودند. صدای آژیر آمبولانس‌ها و صدای تیراندازی لحظه‌ای قطع نمی‌شد. هر لحظه خبر می‌رسید که جایی و مکانی را تصرف کرده‌اند.»

در کوچه‌ها و خیابان‌ها سنگربندی کردند. آن‌ها مسلح شده بودند. صدای آژیر آمبولانس‌ها و صدای تیراندازی لحظه‌ای قطع نمی‌شد.

